





KOPRULU



349

I.C.

A. H. met



طریق طریق کسمیت

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

کرب جاری اولحق کون شد دری بوشق دو کوب
 وقت حاجنه از حق دیوید قویا بری غار صدق و کفایت و عا او
 اعلی جاری اولحق چون لبون صوبی با خود اکتی
 صوبی انچه از هم جاری هم یکی اعلا او را و طیه خاطر بنده ضعی
 بر فاج اخوان ابد بهر کس کون
 ابتدا البیدن صفا کون نور

ابتداء البليد
مطفون نه دكلورني
بويي كلز جاو نور
الغذ و ليا
جلد اندر جفاو نور

۹
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله الذي جعل
العلم نوراً والدين
هدى والعباد
مخلصين

نستنه دکن است ایستادگی او و عاوی بیستم

شهر جدیدی کور که باوقیه
اندرهم غنما بالین و ایمان و اسلام
و السلام و التوفیق لما تحب و ترضی
ربی و ربک انه حدی رسول

۲۳۹

سکانتی است بر باد است کلاه بکشد
سکانتی است بر باد است کلاه بکشد

نه فرخنده بود که مضمون در کتب نهی بخند
نه فرخنده بود که معنای حق تعالی پیدا
در روزگار نیاید

۶ سینه بدینا
۷ دخی بن صدی
۸ بنز مش هفای و صد
۹ مقصود
۱۰ وی ترع

۱. منور درین سوره
 ۲. منور درین سوره
 ۳. منور درین سوره
 ۴. منور درین سوره
 ۵. منور درین سوره
 ۶. منور درین سوره
 ۷. منور درین سوره
 ۸. منور درین سوره
 ۹. منور درین سوره
 ۱۰. منور درین سوره

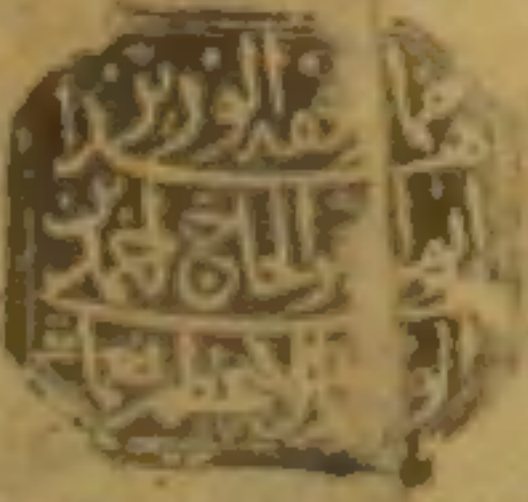
و در روز چهارم بر سر ام
۹۰۰ حضرت مولانا
شفا بخشید و کرم نیکو
اوله و در روز پنجم

[illegible][illegible]

و صلواتی بر این خاندان شمع نیر و کلد و در و روز
بر در میان شعله و در و روز
بن صبرا
۲

یدام ولی کو طهارت
 قالدوم انقدر جو غم
 بنور منقبت و طاء الدین
 و کل شری بکا صبر
 انکار و کفر

پیام دینی
سرمه دینی

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

کامل یونان دانسته ایست و در جلد بیست و یکم
ایستاده است و در جلد بیست و یکم
ایستاده است و در جلد بیست و یکم
ایستاده است و در جلد بیست و یکم

آرزوی ما بدو را به او غزوی بگویم

شهر جدیدی بود که او بنیاد
انهم الله غلبنا باليمن والایمان و السلام
والسلام والتوفیق لما تحت وترضی
ربی وریک الله حدیث رسول الله

کتاب جاری اولی کون شد دری یونق دو کوب
وقت حاجنه ارفق دیوید و توبری عیال
علی جاری اولی کون لبون صوبی اضود
صوبی انبه از هم جاری هم زکی اعلا و در اولی خاطر شریفی
بر قاج اضون لبون صفا و نور
ابتدا السیدین صفا و نور
نطفه زن نه و کلور غنی
بو کوب کلور جا و نور
ار غدر و کوب
حله ای که صفا و نور

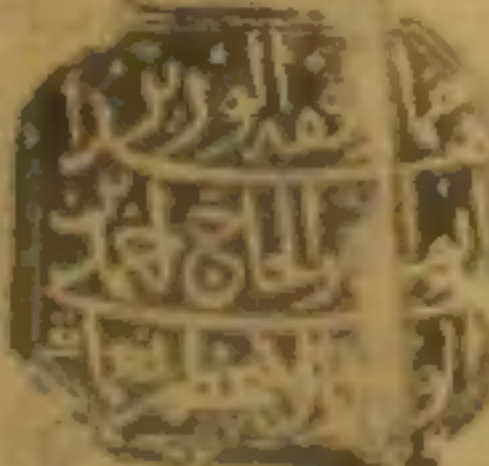
۹
بسم الله الرحمن الرحیم
سنة اقصاف ابدیة تا بیجا


که ایان را به برادرات ملکهای دیگر
سلطنت منسوب می دارد به قارخرد در ده دلو کوشی به حدای ایدجور خنوزی قارخرد ملک مومن کندهی صلا کبر در

نه فرخ در بوم مسموم سازش بخفت ایست مکتوب دل
نه فرخ در بوم مسموم سازش بخفت ایست مکتوب دل

۱. سینه و سینه
 ۲. دست و دست
 ۳. پا و پا
 ۴. سر و سر
 ۵. دماغ و دماغ
 ۶. چشم و چشم
 ۷. گوش و گوش
 ۸. بینی و بینی
 ۹. دهان و دهان
 ۱۰. حلق و حلق
 ۱۱. گلو و گلو
 ۱۲. سینه و سینه
 ۱۳. دست و دست
 ۱۴. پا و پا
 ۱۵. سر و سر
 ۱۶. دماغ و دماغ
 ۱۷. چشم و چشم
 ۱۸. گوش و گوش
 ۱۹. بینی و بینی
 ۲۰. دهان و دهان
 ۲۱. حلق و حلق
 ۲۲. گلو و گلو
 ۲۳. سینه و سینه
 ۲۴. دست و دست
 ۲۵. پا و پا
 ۲۶. سر و سر
 ۲۷. دماغ و دماغ
 ۲۸. چشم و چشم
 ۲۹. گوش و گوش
 ۳۰. بینی و بینی
 ۳۱. دهان و دهان
 ۳۲. حلق و حلق
 ۳۳. گلو و گلو
 ۳۴. سینه و سینه
 ۳۵. دست و دست
 ۳۶. پا و پا
 ۳۷. سر و سر
 ۳۸. دماغ و دماغ
 ۳۹. چشم و چشم
 ۴۰. گوش و گوش
 ۴۱. بینی و بینی
 ۴۲. دهان و دهان
 ۴۳. حلق و حلق
 ۴۴. گلو و گلو
 ۴۵. سینه و سینه
 ۴۶. دست و دست
 ۴۷. پا و پا
 ۴۸. سر و سر
 ۴۹. دماغ و دماغ
 ۵۰. چشم و چشم
 ۵۱. گوش و گوش
 ۵۲. بینی و بینی
 ۵۳. دهان و دهان
 ۵۴. حلق و حلق
 ۵۵. گلو و گلو
 ۵۶. سینه و سینه
 ۵۷. دست و دست
 ۵۸. پا و پا
 ۵۹. سر و سر
 ۶۰. دماغ و دماغ
 ۶۱. چشم و چشم
 ۶۲. گوش و گوش
 ۶۳. بینی و بینی
 ۶۴. دهان و دهان
 ۶۵. حلق و حلق
 ۶۶. گلو و گلو
 ۶۷. سینه و سینه
 ۶۸. دست و دست
 ۶۹. پا و پا
 ۷۰. سر و سر
 ۷۱. دماغ و دماغ
 ۷۲. چشم و چشم
 ۷۳. گوش و گوش
 ۷۴. بینی و بینی
 ۷۵. دهان و دهان
 ۷۶. حلق و حلق
 ۷۷. گلو و گلو
 ۷۸. سینه و سینه
 ۷۹. دست و دست
 ۸۰. پا و پا
 ۸۱. سر و سر
 ۸۲. دماغ و دماغ
 ۸۳. چشم و چشم
 ۸۴. گوش و گوش
 ۸۵. بینی و بینی
 ۸۶. دهان و دهان
 ۸۷. حلق و حلق
 ۸۸. گلو و گلو
 ۸۹. سینه و سینه
 ۹۰. دست و دست
 ۹۱. پا و پا
 ۹۲. سر و سر
 ۹۳. دماغ و دماغ
 ۹۴. چشم و چشم
 ۹۵. گوش و گوش
 ۹۶. بینی و بینی
 ۹۷. دهان و دهان
 ۹۸. حلق و حلق
 ۹۹. گلو و گلو
 ۱۰۰. سینه و سینه

۱۰
 ۹
 ۸
 ۷
 ۶
 ۵
 ۴
 ۳
 ۲
 ۱

[illegible]

[illegible][illegible]

منع صدور او کان در
بر دینار اکو را خام
خطی و در بوشه
او کشید و خانه معمار
ایده لطیفه خانی چون
مرد و قالی و دو تن از
مرد و قالی و دو تن از
بوندن اقدم بود و
او کشید و خانه معمار
فلسفه انجمن ابدی
تثنی مشق قصید و باب
مربی نیک عرفی و باب
حکایت و از لاجه طب
باب افتخار طبع
نقدی آقا طبعی و باب
انندی بخت و باب
نظم ادب و باب
مرد و قالی و دو تن از
مرد و قالی و دو تن از
مرد و قالی و دو تن از
مرد و قالی و دو تن از

[illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

خدمت انصاف به بالذات
 عفو این در آب نفسان
 طبع کرم به یو و خط
 صواب و بد و نیک و بد
 کلان از دلمه است احاطه
 بویان بعد از آن سعادت
 بزرگ نور خدمت بیخ
 بد آن کلان در رخ او
 نه در زمان اول مطلوب
 بزرگ او غنای درین
 گوشت بدی که بیخ چون
 آه ای اندکی که با حق
 و بدی که با حق و بدی
 شمع و مغنی با بی و بد
 بوا و آن و حال
 زان که از خیال حال
 او روی حسنه این در و
 اندی بوز سکر بی به در

اولدی شوقله نه اول خان
نقد عصاف ایچکه ضامن
یغنی کیم هر بکلوک نه کار
در دیوار ایندی جای بیچار
اصدی کیم دفتی بکلوک
آلای بکیم دفتی بکلوک
اون کی ایندی نه بکلوک
کلمی کلام ایچون
وچند آلوب بکیم ایچون
اون کی بکیم ایچون
وچند آلوب بکیم ایچون
کلم صد بکیم ایچون
بوی اوزر و اول کلام
بوی بخت بوی بخت
بوی بخت بوی بخت
اولدی زهر بالغ بخت
عاقبت کلمی بخت
الد آوعد قالمی بخت
ناروقت درونی بخت

[illegible][illegible][illegible]

که زو و سواد اولی
 طحا اید و بر از که کشتن شتابی
 که دید بر ای جیب با نه
 ویدی تر و کلمی با نه
 کشته ارم بولند صحران
 کلام در مقام و تارام
 با جیب صحنه و از لیدن هم
 وضع او نمندی تا از لیدن هم
 صوب بید و بر که کشتن شتابی
 منتقل ایدی صفی و کلمی با نه
 شتابی کلمی با نه
 به کلمی با نه و کلمی با نه
 او نور و نور و کلمی با نه
 شتابی کلمی با نه
 اید بر صدر صفی و کلمی با نه
 انصاف است و کلمی با نه
 اولی از که کشتن شتابی
 منکر اولی و کلمی با نه
 ویدی و کلمی با نه

[illegible][illegible]

کعبه خلیل ابریم که اولاد یار
اولاد خلیل که در این عالم
دیدی در این عالم که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم

اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم

اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم

اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم

اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم
اولاد خلیل که در این عالم

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

و در باب اول که در او دربار
دیدی صاحب روضه
پوری صوفی که فوج
آنکه عواید اول خوراسان
طالع اول که در اول خوراسان
خیال اول که در اول خوراسان
صانع اول که در اول خوراسان

و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان

و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان

می طلوع روح روان و در عین
عالم جانی و در عین عالم

بروز که در عین عالم و در عین
روح القدس و در عین عالم

و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان

و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان

و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان

و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان
و صبا ای که در میان
دوری که در میان



۳۴۹

باب اول
در بیان حال و سیرت
و در بیان حال و سیرت
و در بیان حال و سیرت

باب اول
در بیان حال و سیرت
و در بیان حال و سیرت
و در بیان حال و سیرت

باب اول
در بیان حال و سیرت
و در بیان حال و سیرت
و در بیان حال و سیرت

باب اول
در بیان حال و سیرت
و در بیان حال و سیرت
و در بیان حال و سیرت

[illegible]

السلامه

السلامه

السلامه

السلامه

السلامه

السلامه

السلامه

السلامه

السلامه

السلامه

السلامه

السلامه

[illegible][illegible]

ذو

الوکیل و شکیه حاجی بنون ارج
از کسم باجه اچکون نوون ارج

نبت اذی

نفتیل موصی علیه علاج المدی ارج
ای شیخ کرامات ووشی از صوبه ارج

[illegible]

[illegible]



رنگ کبود

ظلمت دل را با باران باران
مغنی اندک دوری حالت جان
مغنی غنچه گلشن غنچه
نغمه کن وید در اندک غنچه

فولانی
ایستادن و رفتن
و رفتن از این اولدم
و رفتن از این اولدم

فولانی

مغنی بلبل جان در غنچه
صورت غنچه غنچه غنچه
وای جان غنچه غنچه
مغنی غنچه غنچه غنچه

فولانی
نغمه وید از دل
مدد اولادی تو غنچه
نغمه وید از دل

فولانی

مغنی بلبل جان در غنچه
صورت غنچه غنچه غنچه
وای جان غنچه غنچه
مغنی غنچه غنچه غنچه

فولانی
نغمه وید از دل
مدد اولادی تو غنچه
نغمه وید از دل

استراحت از اینک امید از این حالتی و حق تعالی صدق اول کسب از راه صدق
سعدی اب روان هسته دلکش نشسته کن باری بر پیوسته ایام و ناچار در صد صورت و در حالتی بر خیزد بجز گذر اولسون حضرت صدیقی بخار در

مغنی بلبل جان در غنچه
صورت غنچه غنچه غنچه
وای جان غنچه غنچه
مغنی غنچه غنچه غنچه
نغمه وید از دل
مدد اولادی تو غنچه
نغمه وید از دل
مغنی بلبل جان در غنچه
صورت غنچه غنچه غنچه
وای جان غنچه غنچه
مغنی غنچه غنچه غنچه

طالع زار
مهر بردن نصف اولم
نعم باشد که این فراد
یکجی در موضعی یغور در سنه
ویدی بوی اینی بختی بر سنه
اول بود و دست نمک در سنه
نمایا بود و اینی اولی در

[illegible]

افق
بلی
نصفی
اورد که میزند
سینه اید و اول بر می
اولین اغیار اول بر می
کوری بیدم
مرغوبت دل عشقه سر وقت
اوله غنی
کلیم از او زظم خط ابد
خدی باران نظم خط ابد
لبیا است کلمه عاشقانه
میجوئی نقد جان در

ولی بذرای رایج به خیرانی بخور
سر طافانات سر اعتساف مست و خزان
بر داری جسم ماه صفا بخور
اگر بوی اکونیه خون دینا معتوب

[illegible][illegible][illegible]

صوت قمر نهار خفت غریب
 صوت نور مغرب خفت غریب
 بودیم با کبر ز غزل این روشی سالم
 باقی افندی
 دل بسته کنده گریه چشم
 جان خفته اولد بنکار
 بیغیر این خط یک دم از مردم
 خونی بیغیر این خط یک دم از مردم
 کرد و غم بنهار بچار و زکار
 التبت به بنهار بچار و زکار
 فوجی و کل غم بنهار بچار و زکار
 وزیای غم بنهار بچار و زکار
 باقی برود بر طرف خانه نکار
 صوت بر کمال بر باریع نکار
 باقی افندی
 صفت صفت نهار خفت غریب
 و بود موج نهار خفت غریب
 این نگاه نهار خفت غریب
 و بود موج نهار خفت غریب

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

بسی وقت و حد را چه علم داشت
اینی در کرب و غمی دواند
ایمان اول عیسی و کرب و غمی دواند
ناشناخته عین زخم طوبه که از دین
بخشت اول جاد و کرب و غمی دواند
ناشناخته زخم طوبه که از دین
در مع و در غم
و حسب حال فهمیدم
مست غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام

در غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام

بسی وقت و حد را چه علم داشت
اینی در کرب و غمی دواند
ایمان اول عیسی و کرب و غمی دواند
ناشناخته عین زخم طوبه که از دین
بخشت اول جاد و کرب و غمی دواند
ناشناخته زخم طوبه که از دین
در مع و در غم
و حسب حال فهمیدم
مست غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام

بسی وقت و حد را چه علم داشت
اینی در کرب و غمی دواند
ایمان اول عیسی و کرب و غمی دواند
ناشناخته عین زخم طوبه که از دین
بخشت اول جاد و کرب و غمی دواند
ناشناخته زخم طوبه که از دین
در مع و در غم
و حسب حال فهمیدم
مست غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام
انچه غم که با آدم دل ناکام
اول در دل بیام ساقی و ام

६६९



نائب
برین الدق دمی بر بوسه افدام اندازد
بجز بوقل او به لید ایلی برام اندازد

قطعه ای

زینفل عبید بر بونیا کو
سیم خاک شوره تخم دودا کیده یوز
ناسو کیده دودا کیده یوز
اور دیده دودا کیده یوز

قطعه ای

درد که ز غافلان بای اولمز
هر دم دل پینه اوزان اولمز
سختی ای سر کهن اولمز
در شمع خیار بیدار اولمز

نائب

مطو ایدی و سیده نرم شبنامه
نور و کبردی آرام یوزی میانه
کوکل درگاه صفدن غمز غمز
دوب درگاه عالی در غمز غمز

قطعه

زهر و باغی باران صبا کبر
انگار اول قاش خیز اوران
از آب و آب و بر روی بر مجنه
چون نوازی با باران

دخان سر درون غنچه
بهر جا که بخواهد برون

آفتاب او که بخندد طبعش

کشتی عالم را صفا فاکدی

عارف اولد اب اوزار اینجه

واریکی دو شکر که می

بودن مخلصد ای پادشاه

لاله دین بر داغ اولور

ای اوله ناست شرب

ایز عارف اوله ن جوج

بهر جا که بخواهد برون

نیم صبح غنچه

حواش دالاش غنچه

میدیم دی صفت بولدم

عارف اولد اب اوزار

واریکی دو شکر که می

بودن مخلصد ای پادشاه

لاله دین بر داغ اولور

ای اوله ناست شرب

ایز عارف اوله ن جوج

بهر جا که بخواهد برون

۲۰

موت اولدم این غنچه

نیم صبح غنچه

بهر جا که بخواهد برون

غمان غمان

الحمد لله

卷之四
 四

طهارة

۱۰۰

卷之四
 四

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or name, located at the bottom of the page.

مجلس ۱۰۰

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم



[The page contains dense handwritten Persian text in Nasta'liq script, written diagonally across the parchment. The ink is dark brown or black. There are some red markings at the top right corner, possibly indicating a section header or a correction. The handwriting is fluid and characteristic of the late 16th century.]

[illegible]

بختی نامی در کمال
 دل و جان کم بختی
 بی قدرین بختی
 بختی نامی در کمال
 دل و جان کم بختی
 بی قدرین بختی
 بختی نامی در کمال
 دل و جان کم بختی
 بی قدرین بختی

[illegible]

بای طبعی عامه عصا
بی برانه و خوب فقه
ای به معانی نظم
پشته یکی
سرطان بدین
ای مغایرت از ادبی
فقی امیدی حقایق
ای دقت محاسن صد
صد و ندرت حب رعد
مستمر منسوب رفت
کلام نیمه در
از مؤلف عصا

۷۹
که در این کتاب از ادب و سبقتی
منظم و در هر عصر و طبقه
و بعضی

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 أما بعد
 فاعلم يا بني
 ان الدنيا دار فناء
 والآخرة دار بقا
 فاعمل في الدنيا
 كما تحب ان تعمل
 في الآخرة

نامت افندی
 غم مایه ایست
 کنور بوی خوش
 از خون و سحر
 نوز غم طوایف
 فصلی صفا از
 در صحرای سحر و
 هیچ بوی خوش
 بو ماه و دل
 دلیلی نیست
 مفضل دل به
 استخوان اندر
 کوی نگاری
 غنای ایام

[illegible]

۱۸
نقطه

طاش اندی جبار طاش خاری نقدی و غط
دفل اندی نه دانه خلی نقدی و غط
معبود ال او مکن ظلم ظرافت اندی و غط
دست لطیف باری باری صدی و غط

باب اولی

ایوب او سید و خان منشا طبع طبع
دوشمنی او ملایه منی برید و طبع
کشتار انجلیکی جو با بدن طبع
و بعضی بوسه اید با بدن طبع
منصفی اول شوقه انشا طبع
بوغه و انجلیکی طبع
طبع و بعضی و ام طبع
شوقه کا بد و بدن طبع
که او را شوقه طبع
فانطی و ابسکد معن و طبع
جناب قی قید و بدن طبع
بود ملک علقه از و طبع
نور و طبع که انجلیکی طبع
مدام صهی طبع و طبع
زی فزاره او غازی بو طبع

فایه اولی

ای دل کس تو غمگین در دکان اولی
شکسته چشمم در این دکان اولی
بوی روزگار جوی خواجه زواری اولی
مقال حبیب دل اولی جان جان اولی

فایه ثانی

ای دل کس تو غمگین در دکان اولی
شکسته چشمم در این دکان اولی
مقال صوفی خاکی خاکی اولی
بیشتر دزدی محکم بود جان جان اولی

فایه ثالثی

ای دل کس تو غمگین در دکان اولی
شکسته چشمم در این دکان اولی
دیار حبیبی و یار ای دل خراب اندام
اگر دزدی محکم بود در این دکان اولی
نایب کهنه بی عین تیکه جان جان اولی

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

فتنی سوخته بولند فارسی
 و غنی بستی و نزاروی ضعیفی
 دست طبله و جام شکست
 زخم خردن باریار باغی
 از دانه ویر و زخمی درون
 و دانه ای چون یک دام وین
 صفت صفتی قوییدی
 کونیه باین خور واری
 صدهای بانی بک این بانی
 زار و بخت کلامی
 بوفتی فرخ او فریاد
 ماند یاد از این صورتی
 دست طبله خنجر بک ز او وین
 اول مرغ بک بستی
 فتنی بک و فتنی بستی
 کلام فانی صوبی بستی

[illegible][illegible][illegible][illegible]

مطالع
 و با سوزی اندک بوی که می طووفی
 در تنه بوی بر باد روزی که در چوب هو
نقد
 سوزی بختی که در چوب هو
 سوزی که در چوب هو
باب
 و سوزی که در چوب هو
 سوزی که در چوب هو
باب
 و سوزی که در چوب هو
 سوزی که در چوب هو
باب
 و سوزی که در چوب هو
 سوزی که در چوب هو

[illegible]

بو صفیال المدم اولی الفقه فقه دین
 بنی بنم ظلمه ای بنوخ جهانم دین
 عده یاره واروب و دینم دین
 قندی بی بی بکیم دین
 باغدن باغده کله زانیم دین
 فقه در فقه اول و دینم دین
 سیاهی دین و خانه کورم دین

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

باب

کمال اندیدن اول بعلی شکران
فارس صلو سینه دوش چوین اغوز اول

باب

ماتش او جو زو و شوی انتین حانانیک
خوجی بخیدن اولمغه خنبیا نیک

باب

بلده بر کره کور کل کسین باغ در
قدری یکجه سی ایلم مضامین
میان باره هام اوجو صلیه
بو قوله قایر اول اسف

باب

میت روی قند سیمین جلیله
میزاید صفایه سوز مغیون
اول جهریم کومک اولمنا فیک
شیطان یوی وار یوزم مغیون

باب

کسور بنی سحر کل و زربیک
خاضیک کور خانی خانی و صانه کلک
طرحی قانی خانی خانی خانی

باب

او مولودی او خیل سوختن شقایق
چاندنمندی اولدی نال ناله چوین

باب

کرده غنیمت لطیف المیدی نقیون
سکایمندی نو صوره بر او

[illegible]



بیاچ خنفره کونجی حسنک بود کمال
اگر کمالی بودیم ای قاضی مدار

نظم
استه بکیت صهای رحمانی
ایله آورده صفتی استخوان
و بعد بی بونی خدای صبور
فصلینک ان صبرت مال

ز
ای حال ایله بروی نکارده صبر
و حق سرب اوورده صبر

نظم
ای حال ایله بروی نکارده صبر
و حق سرب اوورده صبر

نظم
ای حال ایله بروی نکارده صبر
و حق سرب اوورده صبر

نظم
ای حال ایله بروی نکارده صبر
و حق سرب اوورده صبر

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]



کندی منای و ...
 هر دو پیش بود ...
 ابد لطیفه قول ...
 خاطر صافی ...
 ناباکرم اگر صلب ...
 طلب خلقی ...
 یک نودی بود ...
 استیغنی مع ...
 همه حفظ کن ...
 کینه یل طلب ...
 طالب صورت اول ...
 انگار کی چه ...
ناب ادبی
 کجایی اندر ...
 ای رفیق ...
 و جان ظلی ...
 هم سست ...

[illegible]

دو نفر طری ایروانی بی بی
کوهه ~~مخند~~ ایروانی بی بی
بختی خانی بی بی
راشید الو بی بی
از بانی بی بی
اولم بودی دم طوفان
فلک مغوری خود
نشت گلک بی بی
بانی بی بی
قائم خانه قاعد بی بی
کچ بی بی
خون خزان نفوذ بی بی
بی بی
بی بی

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بهار عاشق بار بار جو فکدر تو
 قیام بر این موی بی او افتاده
 در کمال کمال او را سوختن شد
 سوختن کن قوی اول سوختن شد

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

بابی

سین بوی کمال حسنه هر فلک مبین
نوع نوح بوق اشک خسته مبین

بابی

کی بو خصال چهل ملائیکه خسته مبین
نوع نوح بوق اشک خسته مبین

بابی

اولی کنیز خدایتان کردی کور و بین
بجه غریب عینیه هیچ کردی کور و بین

بابی

علی ای شاه او تا جوید ای انصاف
ارغور منیر غی و صفت کالای خن

بابی

نقد جان و دلی منت الدی المکن جانان
بر قریح میده بوبادی کور می بر مغای

بوز یکی که کله کاهی کشته بزدیم
سوزیم جیت عشقت ای بزدیم

فوز می صوفی تابیدن ابدی که سوزان
کم خستدای سوز بر خنده از بر و برون

که کردند که غدارند خجاسی
ای تو خط بار آمدیم بر چه بزرگی

بوز یکی که کله کاهی کشته بزدیم
سوزیم جیت عشقت ای بزدیم

چون می کونی اوخت بدن سوم صفتی
دیرم دل و کور را دینی او کبی بوق

صانع دکان ایچکن اکون لوله طوثر
جمع او بونی بر بر و برون

قادر می اکون مع غمی باغ جهان
ارغز تو فلک الدی بوبون از غمی باران

صبر

خودش از غلبه بن نوک سینه بکشد
بابای که روی دیدی قوتش را تو
او
و
میان بدن خبر صور دم دیدی اول نور را
او نهی که به ظهور صفا بر آید بدو

[illegible][illegible][illegible]

قول است
 بنی سوسی خایان اولدی صفا خلفه خلفه
 بکا اولمقدور ایچکیر سودا خلفه خلفه
 میان خلفه تو صد که دکر او کون چدر
 زو و رط افرین زک و شکر
 کوکل اولر شکر طردن و زک و شکر
 سنان اصغر ایچکیر و زک و شکر
 مثال هویر اولدی فطامه خانم خلفه خلفه
 بی بی فخر که بیگلر خانم خلفه خلفه
 در بیچ اطراف اولدی هم معرکات خلفه
 مثال عتق کرباب و بی بی فخر
 باغی قدس
 کل اولر کرم دل سیرلر صفا خلفه خلفه
 اولور چکاکش زانو زانو خوار و خوار
 بیور اولر ذیالک نه کون اولر شکر
 کوز زار صافین خلوت اولور کرم
 سینه فداغیت چای سوسن نقل اولر
 سینه فخر کایان

[illegible][illegible]



و د

دختر زنی اندون از زال اید بر سر کوه
کشی هم بر تپه هم کباب و درون مغاف اول
می جوب اولان و باب و لطف بگز عام

و د

چو کل علم از غری و از غنچه
از بچون غری و از غنچه

قطعه باب

کل کی کنایه از غری و از غنچه
از بچون غری و از غنچه

باب

اول از هر جا که میسر و است
دومی سبوی فی منوی و است

باب

او سبوی سبوی و است
بر طوفان از صایوب و است

و د

حاجیه صایوب و است
بجای صایوب و است

خیلی

خط کبر و یکدن از کلمه
بری دریا و خط کبر و یکدن

بابی

و د می صدر و صد و غنی از دم
اولدی از ندان جهان و غنی از دم

باب

و د می صدر و صد و غنی از دم
اولدی از ندان جهان و غنی از دم

حاکم

و د می صدر و صد و غنی از دم
اولدی از ندان جهان و غنی از دم

قطعه

و د می صدر و صد و غنی از دم
اولدی از ندان جهان و غنی از دم

و د

و د می صدر و صد و غنی از دم
اولدی از ندان جهان و غنی از دم

و د

و د می صدر و صد و غنی از دم
اولدی از ندان جهان و غنی از دم

و د

و د می صدر و صد و غنی از دم
اولدی از ندان جهان و غنی از دم

و د

و د می صدر و صد و غنی از دم
اولدی از ندان جهان و غنی از دم

و د

و د می صدر و صد و غنی از دم
اولدی از ندان جهان و غنی از دم

[illegible][illegible][illegible]

٥٠

فیه صورم قدم زافه یوز سور وکی
شیرینه ایوب و بر و وید و کی
جب یکی

و درم کورن بوی که در جب
پنج برین البیاض صفای
دل به دار فوید
مصار فوید

و برینج برید
بغسنتک دل بدو
مکن فقط سوسکم دوی حصار و
نتر غمکه دوی حصار و
ای طرف ای ربعی
ای طرف ای ربعی

五

عشق اولوب ايتك يا بهر طرف
بهمن دوستي است که صفا

5

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

و فخره عظمی و بزرگوار
مسکن الکاسه سبب رفیع
از اسما الیه اول فانی
از اسما الیه اول فانی

52

مکتب
عزیز ابوب زورق اسماعیل
باود و ابوب زورق اسماعیل

مذہب
باب دوم

٤٠

منقول من كتاب
الشيخ الفاضل
ابن حجر

حق مقرر شد خان
امریست فاضل
نشر محکم
ایستاد

فایده صفا و بی خطی و بی
موج و خط و بی خطی و بی

حرف عیدیه در خانه خطه
موتی غولان کلوکان
موتی غولان کلوکان
موتی غولان کلوکان

بمعرب و کسر
و شکر و قافیه
و در هر بیت
علاطه و عجز

خلفه بر کتب و تصانیف او در این کتابخانه
بنا شده است و در آنجا که در این کتابخانه

دو کجی که در جبهه...
نیمه شب ازین بیدار...
او یکساری...
آهسته آهسته...
نیمه شب ازین بیدار...
او یکساری...
آهسته آهسته...

دو کجی که در جبهه...
نیمه شب ازین بیدار...
او یکساری...
آهسته آهسته...
نیمه شب ازین بیدار...
او یکساری...
آهسته آهسته...

دو کجی که در جبهه...
نیمه شب ازین بیدار...
او یکساری...
آهسته آهسته...
نیمه شب ازین بیدار...
او یکساری...
آهسته آهسته...

دو کجی که در جبهه...
نیمه شب ازین بیدار...
او یکساری...
آهسته آهسته...
نیمه شب ازین بیدار...
او یکساری...
آهسته آهسته...

دو کجی که در جبهه...
نیمه شب ازین بیدار...
او یکساری...
آهسته آهسته...
نیمه شب ازین بیدار...
او یکساری...
آهسته آهسته...

عادی
 اول زن باین احضار
 اوله حاجی باین و کدا
 اوله اولور اول زورق
 کاه اولور اول کاه ای و جایی
 رجب اسب اول نول
 دیر مسعود مقیم اولور
 زیدی وارد در اصل اولور
 بری بریکه بصلح ایام
 باجال اولقد خطه دیم
 سینه شفت فیکر سینه
 ورد مندن ابد ایینه
 خفت لدرای تقی
 کاهی او نور سینه تقی
 مسکنی که روم اولور کاهی
 محضه اولقد نوری
 بیزن زوق اولور کاهی
 کاهی شین و زور اولور
 اکرین که قزو قالی
 و من ابر حناره خلک طار

نغز
 بیل در اولی کج اولور
 نوم رازنا شو کج اولور
 خبی مویه عد اولی
 خلق عالم بو خفته
 فتنه فتنه اولور اولور
 خون قدم دین خفته
 سیمبر له صغی نه
 اکت کج انکار
 سوروز ناز ناز مجوب
 عمل ایله باین مجوب
 اینجه باغ خفته قرآن
 نور بیل ابر خفته قرآن
 فقی فوق رختی جگر خوان
 خور و این ای خابان
 حق بو کج خفته باغ نیر
 بصدیقی بر خفته اولور
 الفتن ترک ایدر که کاند
 کاسه اولور مناهی خولک

نغز
 بیل در اولی کج اولور
 نوم رازنا شو کج اولور
 خبی مویه عد اولی
 خلق عالم بو خفته
 فتنه فتنه اولور اولور
 خون قدم دین خفته
 سیمبر له صغی نه
 اکت کج انکار
 سوروز ناز ناز مجوب
 عمل ایله باین مجوب
 اینجه باغ خفته قرآن
 نور بیل ابر خفته قرآن
 فقی فوق رختی جگر خوان
 خور و این ای خابان
 حق بو کج خفته باغ نیر
 بصدیقی بر خفته اولور
 الفتن ترک ایدر که کاند
 کاسه اولور مناهی خولک
 نذر قدم باکجه جان انموب فدا
 فکر که حاینا و دی کجی نکته وان
 اولور صحر کشته ز عاری و

نغز
 نذر اول کله صغیر و کجیب
 که اولور دایم بو عار خضار آب
 نیزی اول صغیر اول کج
 که حورس کجی خالص ایدر
 فنی دیم در سینه دین
 کج دایما کجسته ایلک
 اکلای اطلعه قورای
 اولدر در قدس عاقی رای
 اوتد با اولدر اول ایل
 صولاتی او ز شنه اولور
 بدورم صغی کج او کج
 بو فنی و آله کج کوب و کج

بیل در اولی کج اولور